

بیانیه اجایل

افراد و رابطه بین آنها با اهمیت‌تر از پروسه‌ها و ابزارهاست

محصولی که بخوبی کار کند با اهمیت‌تر از تهیه اسناد پیچیده و سنگین می‌باشد

دخالت مستقیم مشتری در توسعه محصول با اهمیت‌تر از امضای یک قرارداد و پایبندی بدون چون و چرا به آن می‌باشد

پاسخگویی به تغییرات با اهمیت‌تر از پیگیری و اجرای یک برنامه از قبل تعیین‌شده می‌باشد

همچنانکه موارد مطرح شده در سمت چپ جملات برای ما مهم هستند، همواره در ذهن داریم که موارد سمت راستی از اهمیت بیشتری برخوردارند

در مواردی که با مدیر و یا مافوق خود کاری دارم بطور مستقیم با او ارتباط می‌گیرم و در مواردی که بتوانم مسئله‌ای را حل کنم و یا کاری را با تصمیم خود بدرستی انجام دهم، برای اجازه گرفتن درجهت انجام کاری که می‌دانم درست است مزاحم او نمی‌شوم.

من ترجیح می‌دهم در مواردی که با همکار خود کاری دارم، بطور مستقیم و شفاف به او بگویم تا اینکه بخواهم از ابزار خاصی برای برقراری ارتباط استفاده نمایم تا بتوانم در سریع‌ترین زمان ممکن بطور شفاف و صریح به پاسخ خود برسم.

همواره سعی می‌کنم خود و یا کار خود را درگیر استفاده از ابزار خاصی نکنم. در عوض سعی می‌کنم همواره سریع‌ترین راه برای انجام کار را بدون وابستگی به ابزار خاصی انتخاب نمایم

همواره سعی می‌کنم از ابزارهایی با کمترین پیچیدگی و در جهت بهبود و افزایش ارتباط بین افراد استفاده نمایم.

در مواردی که با توجه به محدودیت زمانی بین توسعه محصول خوب و نوشتن اسناد مورد نیاز مجبور هستم یکی را انتخاب کنم، قطعاً توسعه محصول کارآمد را انتخاب خواهم کرد

بجای نوشتن اسناد توسعه محصول بی‌فایده که شاید حتی یک‌بار هم در طول توسعه و یا استفاده محصول مورد استفاده قرار نگیرد، ترجیح می‌دهم محصولی تولید کنم که به بهترین شکل ممکن کار کند و پاسخگوی نیازمندی مشتری باشد

هرچند که یک قرارداد بین من و مشتری امضا شده است، اما همواره در طول توسعه محصول سعی می‌کنم از نقطه نظرات او استفاده کنم و محصول را همانطور که واقعا او نیاز دارد توسعه دهم. برای این کار می‌توانم در طول توسعه محصول، در بازه‌های زمانی مشخص او را دعوت کنم و با دموهای محصول از نیازمندی واقعی او باخبر شده و تغییرات لازم را روی محصول اعمال کنم

از آنجا که همواره هدف من رضایت مشتری است و همواره سعی می‌کنم نظرات او را در توسعه محصول در نظر بگیرم، می‌باید محصولم را بگونه‌ای توسعه دهم که همواره قابلیت تغییر داشته باشد و با یک تغییر به درخواست مشتری مجبور به پیاده‌سازی مجدد تمام محصول نباشم

در مواردی که نقطه نظر مشتری مغایر با بندهای قرارداد می‌باشد، همواره سعی می‌کنم نقطه نظر او را بر پایبندی به این بند قرارداد ترجیح دهم و چنانچه بار مالی و یا زمانی خاصی بر من تحمیل می‌شود سعی می‌کنم با توجه مشتری او را مجاب به تامین مالی نمایم و یا او را از تاخیر زمانی پیش آمده آگاه سازم

همواره سعی می‌کنم بجای برنامه‌ریزی دقیق بلند مدت از ابتدا تا توسعه نهایی محصول، یک برنامه‌ریزی کوتاه مدت را انجام دهم و محصول را در بازه‌های زمانی کوتاه، مرحله به مرحله بگونه‌ای توسعه دهم که امکان تغییر در محصول وجود داشته باشد، در عین حال توسعه محصول را در این بازه‌های زمانی بگونه‌ای در نظر می‌گیرم که امکان دموهای محصول در انتهای بازه زمانی وجود داشته باشد تا بتوانم با دموهای محصول به مشتری نقطه نظرات او را دریافت نمایم

همواره بازه‌های زمانی توسعه محصول را با توجه به میزان اهمیت و حیاتی بودن محصول به اندازه‌ای کوتاه در نظر می‌گیرم تا اگر در پایان این دوره زمانی، مشتری از محصول ارائه شده ناراضی بود و کلاً آنرا رد کرد، تنها یک بازه زمانی کوتاه را از دست داده باشم و زیان زیادی را به خود و مشتری تحمیل نکنم